

اوصاف شیعیان واقعی در وصایای امام محمدباقر علیه السلام (۱۲) *

آیت‌الله علامه محمدتقی مصباح

چکیده

این مقال شرحی است بر کلام امام محمدباقر علیه السلام در باب اوصاف شیعیان واقعی. یکی از این اوصاف، همه امور را به خدا سپردن با هدف نیل به آسایش و آرامش در زندگی است. انسان در نظام تکوین معمولاً به دنبال ارضای غرایز خود است و در این ساخت به تکلیف و وظیفه نمی‌اندیشد. اما افزون بر این، خداوند برای دستیابی به اهداف بالاتر و کمال و قرب الهی، تکالیفی معین کرده است. این نظام تشریح بر نظام تکوینی و اسباب و مسببات مبتنی است. یکی از اهداف بزرگ انبیاء این است که چشم بشر را به حقایق و معارف پنهان باز کنند تا ظواهر دنیا آنان را نفریبند. برخی انسان‌ها از نظام تکوین بهره‌ای نیکو می‌برند و از نعمت‌های بی‌شمار الهی در چارچوب نظام تشریح استفاده می‌کنند. اینها از سنخ نعمت‌های مادی نیست، همچون انس با خدا، باز شدن چشم بصیرت به حقایق، نورانیت دل و... این سنت الهی در مورد جامعه هم ساری و جاری است؛ خدای متعال به جامعه‌ای که مردمش اهل تقوا باشند و در کنار احترام به احکام اسلامی آنها را اجرا کنند، برکت می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: اوصاف شیعیان واقعی، حب ایمان، نظام تکوینی، نظام تشریح.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

امام باقر^ع می‌فرماید: «وَتَخَلَّصَ إِلَى رَاحَةِ النَّفْسِ بِصِحَّةِ التَّفْوِیْضِ»؛ و با تفویض صحیح [همه امور به خدا] به آسایش دل دست یاب.

چند نکته

برای توضیح این بخش از روایت امام باقر^ع بیان چند نکته لازم است:

الف) ارتباط نظام تکوین و تشریح

براساس نظامی که خداوند متعال در این عالم برقرار کرده است، پدیده‌ها به واسطه اسباب و عللی به وجود می‌آیند و گاهی میان آنها تزاخم رخ می‌دهد. در هر لحظه مفروض، هزاران پدیده در فضایی محدود تحقق می‌یابد که انسان از شمردن آنها عاجز است. خداوند این اسباب را در اختیار انسان قرار داده تا با استفاده از آنها نیازهای خود را برطرف کند و کارهایش را انجام دهد. نظام دنیوی دو هدف دارد: هدف متوسط و هدف نهایی. البته می‌توان اهدافی را مترتب بر یکدیگر فرض کرد؛ ولی خداوند متعال این اسباب را برای رفع نیازهای انسان و در نتیجه ادامه حیات شخصی یا نوعی او به گونه‌ای قرار داده که می‌توان ارتباطی دوسویه بین انسان و این اسباب و علل مشاهده کرد؛ به عبارت دیگر، خداوند این ارتباط را در دو نظام طراحی کرده است: ۱. نظام تکوینی؛ ۲. نظام تشریحی. براساس نظام تکوینی، انسان از نعمت‌های الهی به منظور ادامه زندگی دنیوی استفاده می‌کند. خداوند متعال نظامی دیگر نیز بر این نظام تکوینی گمارده که براساس آن، انسان مأمور است با کار و کوشش روزی حلالی فراهم کند و از آن در مسیر ادامه زندگی دنیوی خود بهره ببرد. انسان حق ندارد برای برطرف کردن نیازهای خود به مال دیگران تجاوز، و حدود الهی را پای مال کند.

انسان در چارچوب نظام تکوینی معمولاً و به‌طور طبیعی به دنبال ارضای غرایز خویش است. او می‌کوشد گرسنگی و تشنگی را رفع کند و نیازهای غریزی خود را به واسطه برقرار کردن ارتباط با دیگران ارضا کند. در این ساحت، انسان به تکلیف و وظیفه نمی‌اندیشد. این برنامه و نظامی است که خداوند متعال طراحی کرده و براساس آن هر کس کاروتلاش کند، می‌تواند از این اسباب استفاده کند و از نتایج و فوایدش بهره‌مند شود. روشن است که شرط استفاده از این نظام، داشتن ایمان نیست و در نتیجه کفر هم مانع آن نمی‌شود: «كُلًّا نُمِدُّ هُوْلًا وَهَوْلًا مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءَ رَبِّكَ مَحْظُورًا» (اسراء:

۲۰). گاه چنین عطایی رحمت رحمانی الهی نامیده می‌شود؛ زیرا همه موجودات، علاوه بر انسان، از این رحمت استفاده می‌کنند، و تفاوت انسان در بهره‌مندی از این نعمت با موجودات دیگر این است که از نعمت اختیار بهره می‌برد. انسان برای استفاده از نعمت‌های الهی باید، پس از احساس نیاز، به‌جانب آنچه نیازهایش را برطرف می‌کند حرکت کند تا در سایه کوشش خود از نعمت‌ها بهره‌مند شود. او مانند گیاه نیست که اگر آب به آن نرسد خشک شود؛ بنابراین انسان باید با اختیار خویش از اسباب استفاده کند، هر چند استفاده از آنها هدف نهایی نیست؛ زیرا بیشترین فایده بهره‌مندی انسان از این اسباب آن است که او را، به اندازه‌ای که خداوند مقدر کرده است، زنده نگه می‌دارد.

خداوند برای دستیابی انسان به اهداف بالاتر (تکامل) تکالیفی تعیین کرده است که فقط موجودات مختار و دارای شعور با انجام آنها شایستگی برخوردار از رحمتی ویژه را احراز می‌کنند. این نظام تشریحی بر روی نظام اسباب و مسببات (نظام تکوینی) قرار گرفته است؛ مثلاً کشاورز باید توجه کند که در کنار کاشتن بذر در دل خاک و مراقبت کردن از آن و درو کردن محصول، بذر و زمین غصبی نباشد، زکات محصولش را با شروط معین بپردازد و خلاصه تکالیف شرعی را هم انجام دهد. با این توضیح روشن شد که قوانین نظام تکوین نباید با مقتضیات نظام تشریح خلط شود.

ب) انحصار تأثیر استقلالی در خداوند متعال

تلقی ابتدایی ما از نظام اسباب و مسببات در عالم این است که تأثیر هر کدام مستقل از دیگری است؛ مثلاً گمان می‌کنیم آب در هر صورت - چه خدایی در کار باشد و چه نباشد - تشنگی را برطرف می‌کند. هر روز اسباب بیشتری در عالم کشف می‌شود و ما بر اثر عادت گمان می‌کنیم تأثیر این اسباب خودبه‌خود و به‌طور مستقل است و چیز دیگری در تأثیرگذاری آنها نقش ندارد؛ در حالی که حقیقت این نیست. ادیان و پیغمبران الهی آمده‌اند تا به ما بفهمانند آنچه می‌بینیم لایه ظاهری زندگی است و حقیقتی بسیار فراتر در باطن آن نهفته است. در این زمینه تعبیرهای بسیاری در قرآن کریم وجود دارد: «فَلَا تَعْرَبْكُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا» (لقمان: ۳۳؛ فاطر: ۵). بنابراین انسان نباید فریفته ظاهر دنیا شود و دنیا را فقط همین چیزی بیندارد که می‌بیند.

قرآن کریم عنایت و تأکید خاص دارد که تمام امور را باید ناشی از اراده و مشیت الهی دانست و با این تعبیرها می‌خواهد به ما

تنگی می‌کند و در جست‌وجوی راه گریز از زندگی است و می‌خواهد فرار کند؛ گویا می‌خواهد به‌جانب آسمان بالا برود.

خدای متعال غیر از نعمت‌های مادی، که مؤمن و کافر در آن شریک‌اند، نعمت‌های دیگری هم برای کسانی قرار داده است که از نعمت‌های مادی درست استفاده کنند؛ به‌عبارت‌دیگر، اگر کسی از نظام تکوین براساس نظام تشریح بهره‌بردارد، خداوند متعال نیز نعمت‌های او را افزایش می‌دهد. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنَ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَعْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (حدید: ۲۶). خداوند متعال تقدیر مؤمنان را به‌گونه‌ای رقم می‌زند که ایمان را دوست می‌دارند و از گناه و کفر بیزارند: «وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ الْأَيْمَانَ وَزَيْنَتُهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ» (حجرات: ۷). دوست‌داشتن ایمان و بیزاربودن از گناه از نعمت‌های گران‌بهای الهی است که شامل حال هرکسی نمی‌شود. رحمت الهی گسترده است؛ اما انسان باید شایستگی دریافت رحمت را هم کسب کرده باشد.

۲. بهره‌مندی از روزی غیبی و نعمت‌های مادی و

معنوی

اگر کسی نعمت‌های خدا را پاس دارد، خداوند لطف دیگری به او ارزانی خواهد کرد و بهره‌مندی از دنیا را هم برای او آسان‌تر می‌کند. می‌دانیم که زندگی در گذشته بسیار دشوار بوده است و مردم برای تأمین آب آشامیدنی، برق و دیگر امکانات رفاهی سختی‌های زیادی را تحمل می‌کردند؛ اما امروزه این امکانات در اختیار همه قرار دارد و هر روز زندگی راحت‌تر می‌شود. البته زندگی فعلی ما، با همه امکاناتی که در اختیارمان قرار دارد، در مقایسه با زندگی جاویدی که خداوند متعال در آخرت برای مؤمنان فراهم کرده است، در حکم زندان است. از الطاف بزرگ الهی این است که با استفاده از نعمت‌های مادی در چارچوب دین می‌توان این شایستگی را در خود ایجاد کرد که خداوند متعال علاوه بر افزودن نعمت‌های مادی، استفاده از آنها را هم آسان‌تر کند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (طلاق: ۳ و ۴). خداوند اهل تقوا را، حتی در کارهای دنیوی‌شان در بن‌بست گرفتار نمی‌کند و سرانجام راه‌حل مشکلاتشان را نشانشان می‌دهد. خداوند روزی آنها را از راهی تأمین می‌کند که حتی به فکرشان هم نمی‌رسد.

بفهماند که فقط به اسباب ظاهری توجه نکنیم. به‌روشنی می‌توان از آیات قرآن کریم برداشت کرد که پشت این ظواهر حقایق وجود دارد: «فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» (ق: ۲۲). روز قیامت خداوند پرده‌ها را از پیش چشم ما کنار می‌زند تا حقایق پشت پرده دیده شود. درواقع، خداوند پرده‌ای ظاهری بر حقایق عالم کشیده است و انسان تصور می‌کند اسباب عالم به‌صورت مستقل در دنیا تأثیرگذارند؛ اما پشت پرده هستی دنیوی حقایق و ارتباط‌هایی هست که انسان اصلاً نمی‌شناسد.

یکی از اهداف بزرگ انبیا (ع) این است که چشم بشر را به حقایق و معارفی پنهان باز کنند تا ظاهر دنیا او را نفریبد. خداوند در قرآن خطاب به پیغمبر اکرم (ص) می‌فرماید: «فَاعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَن دِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا، ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ» (نجم: ۳۹ و ۴۰). خداوند در این آیه به زبان تحقیر می‌گوید: «پایه علم چنین کسانی همین امور دنیوی است؛ ولی آنها فریفته زندگی ظاهری دنیا هستند و علم و درک دیگری ندارند؛ درحالی‌که علم حقیقی و رای ظواهر است».

ج) نعمت‌های ویژه متقین

برخی انسان‌ها از نظام تکوین بهره‌ای نیکو می‌برند و از نعمت‌های بی‌شمار الهی در چارچوب نظام تشریح استفاده می‌کنند. خداوند متعال به چنین کسانی نعمت‌های دیگری هم عنایت می‌کند که از سنخ نعمت‌های مادی نیست. این نعمت‌ها از سنخ نورانیت دل، انس با خدا، بازشدن چشم معنوی و بصیرت به حقایق است؛ نعمت‌هایی که ما نامی از آنها شنیده‌ایم و تصویری مبهم از آنها داریم.

۱. حب ایمان

نور ایمان با تاریکی کفر مساوی نیست. انسان کافر با نوعی تیرگی و گرفتگی دست به گریبان است، هرچند به کفر عادت کرده و گمان می‌کند زندگی همین است. در مقابل، مؤمن به‌اندازه ایمانش از نور حق بهره‌مند است. قرآن کریم در مقام مقایسه کافر و مؤمن می‌فرماید: «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعْدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرُّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» (انعام: ۱۲۵). بی‌ایمانی دردناک است و انسان‌های بی‌ایمان گاه پس از سال‌ها تحمل رنج زندگی به خودکشی پناه می‌برند. کافر در زندگی احساس فشار و

می‌دیدم هنگام ریختن چای، خوش‌آمدگویی به مهمان‌ها، مرتب‌کردن کفش‌ها و دیگر کارها ذکر را زیر لب تکرار می‌کنند. سرانجام روزی از آقا پرسیدم این چه ذکر است که شما این قدر بر آن اصرار دارید و همواره تکرار می‌کنید؟ ابتدا این سؤال را نپسندیدند؛ ولی بعد از تأملی فرمودند: «خوب است انسان روزی هزار مرتبه انا انزلناه را بخواند».

این نمونه یک عمر بابرکت است. چنین سفارشی بر زبان کسی جاری شده است که اگر کسی حاشیه کفایه و مکاسب ایشان را درست بفهمد، باید اجازه اجتهاد به او داد. آیا ما هم این گونه‌ایم یا اینکه برای انجام کار کوچکی همه کارهایمان را تعطیل می‌کنیم؟ خلاصه آنکه، خداوند امور مؤمنان را به گونه‌ای تدبیر می‌کند که وقت انسان باتقوا صرف بهترین کارها شود. برای چنین شخصی، کسب روزی حلال عبادت است؛ اما بین این عبادت - که انسان باید با دیگران سروکار داشته باشد - با عبادت خالصی همانند مناجات و قرائت قرآن تفاوت بسیار است که انسان در آن فقط با خداوند رابطه دارد. وقتی خداوند ببیند بنده‌ای واقعاً عاشق عبادت است و می‌خواهد با او انس بگیرد و توجه به غیر او را نمی‌خواهد، امورش را به گونه‌ای تدبیر می‌کند که عمرش صرف امور دنیا نشود و کارهای دنیوی عبادتش را تحت الشعاع قرار ندهد. او به تکلیف واجب خویش، که تلاش برای روزی است، عمل می‌کند. در مغازه را باز می‌کند و با خریدوفروش به اندازه روزی خود بهره می‌برد؛ اما این کارها مانع عبادت دیگر او - از قبیل تحصیل، تدریس، نماز و... - نمی‌شود. این تدبیری است که عقل انسان به تهایی از آن عاجز است و نمی‌تواند تشخیص دهد که کارها را چگونه و با چه مقدماتی انجام دهد تا به بهترین نتیجه دست یابد؛ درحالی که خداوند تمام کارهای انسان متقی را تدبیر می‌کند و بدون آنکه لازم باشد فرد مقدمات طولانی و پرمشقت را طی کند و وقت و هزینه بسیاری هدر دهد، او را به مقصود می‌رساند. در دعای «عرفه» آمده است: «الهی اغننی بتدبیرک عن تدبیری و باختیارک عن اختیاری» (قمی، ۱۳۷۷، ص ۴۵۱).

تفاوت تفویض و تنبلی

ممکن است انسان چنین مطلبی با هدف دستیابی آسان‌تر به نعمت‌های دنیا مطرح کند و از خداوند کمک می‌خواهد تا زودتر خواسته‌اش تحقق یابد. چنین شخصی به دنبال راحتی در دنیا است؛ اما سعی دوستان خدا این است که به عبادتشان برسند و کارهای مهم‌تر و

این قانون که مربوط به زندگی فردی مؤمنان است، در بُعد اجتماعی هم مصداق دارد. خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (اعراف: ۹۶). براین اساس، خداوند متعال به جامعه‌ای که مردمش اهل تقوا باشند و در کنار احترام به احکام اسلامی آنها را اجرا کنند، برکت می‌دهد؛ یعنی نعمت‌های دنیا را بسیار راحت‌تر و فراوان‌تر در اختیارشان قرار می‌دهد و دیگر لازم نیست برای دستیابی به آنها خود را به زحمت بیندازند؛ نمونه ظاهری و عملی‌اش نزول به‌هنگام و فراوان باران است. شواهد عینی بهره‌مندی از نعمت بیشتر در پرتو ایمان و تقوا، فراوان است. چه بسا کشاورزی که به‌طور معمول لازم است هر روز ساعت‌ها در مزرعه تلاش کند، با رعایت دستورهای الهی، در مدت‌زمانی اندک به همان نتیجه دست یابد.

آسایش و برکت در سایه تفویض کار به خداوند

تدبیر امور در دست قدرت خداوند است. خداوند زندگی اهل تقوا را به گونه‌ای تدبیر می‌کند که بهترین نتیجه ممکن را از زندگی حاصل می‌کنند. در مقابل، افراد بی‌ایمان با اینکه کارهای بسیاری انجام می‌دهند و تلاش فراوانی می‌کنند، نه از منافع دنیوی بهره‌مند می‌شوند و نه به رشد معنوی می‌رسند. عمر چنین کسانی بی‌برکت است و کارهایشان بر زمین می‌ماند؛ اما عمر اهل تقوا آن قدر پربرکت است که بهت و تعجب همگان را برمی‌انگیزد.

آیت‌الله بهجت ره درباره آقا شیخ محمدحسین اصفهانی ره

می‌فرمودند: اگر کسی فقط عبادات ایشان را می‌دید، گمان می‌کرد ایشان غیر از عبادت کار دیگری ندارند و اگر فقط کارهای علمی ایشان را می‌دید، گمان می‌کرد ایشان برای هیچ عبادتی فرصت ندارند و تمام وقتشان صرف کارهای علمی می‌شود. ایشان تا آخرین روز زندگی زیارت عاشورا و نماز جعفر را ترک نکردند. درعین حال شبی که از دنیا رفتند همه کارهایشان را انجام داده بودند و کسی باور نمی‌کرد که این همه تحقیق و نوشته علمی از ایشان به جا مانده باشد و تعداد زیادی شاگرد برجسته تربیت کرده باشند و عبادات فراوانی صورت داده باشند.

نیز، مرحوم حاج شیخ علی محمد بروجردی می‌فرمودند: مرحوم

آقا شیخ محمدحسین مجلس روضه هفتگی داشتند و مقید بودند که خود برای حاضران در مجلس چای بریزند و کفش‌هایشان را جفت کنند. من

مفیدتر را انجام دهند نه اینکه با پرداختن به امور دنیوی از کارهای مهم‌تر بازمانند. اولیای خدا دوست دارند خداوند به گونه‌ای امورشان را تدبیر کند که فرصت بیشتری برای عبادت و کارهایی که خداوند دوست دارد داشته باشند و به جای آنکه بیشتر وقتشان را صرف رفع نیاز دنیوی کنند به عبادت خداوند بپردازند. درست است که رفع نیاز تکلیف است و اگر به قصد قربت انجام شود، عبادت به شمار می‌رود، اما این نوع عبادت با عبادت‌هایی که اولیای خدا لذتشان را درک می‌کنند بسیار تفاوت دارد. خداوند نیز تدبیر امور آنها را برعهده می‌گیرد، بلاها را از آنها دفع می‌کند و توطئه‌های دشمنانشان را خنثا می‌کند تا مانع عبادتشان نشوند. این نعمت‌ها برای کسانی است که به خدا اعتماد کامل دارند و کارشان را به خدا واگذار می‌کنند. در این صورت خدا هم عهده‌دار کارهایشان می‌شود و دیگر لازم نیست نگران تلف شدن وقتشان برای امور کم‌ارزش دنیوی باشند یا دغدغه توطئه‌های دشمن را داشته باشند. خداوند متعال درباره مؤمن آل فرعون می‌گوید: «وَأَفْوُضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ، فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكْرُوهًا وَحَاقَ بِالْأَلْفِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ» (غافر: ۴۴ و ۴۵).

در روایتی ویژگی‌ها و نتایج برخی آیات بیان شده است (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۶ ح ۲)؛ مثلاً ذکر یونسی - لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ - (انبیاء: ۸۷) انسان را از هم و غم نجات می‌دهد. شاهد این مطلب آن است که حضرت یونس (ع) پس از آنکه در شکم ماهی گرفتار شد این ذکر را به درگاه الهی تکرار کرد و خداوند او را از هم و غم نجات داد. قرآن کریم بعد از نقل این جریان می‌فرماید: «فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ وَجَجْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ» (انبیاء: ۸۸). امیدواریم ما هم از توفیق بهره‌مندی از کلام الهی و سیره اولیای خدا در دنیا و آخرت بی‌نصیب نمانیم.

منابع.....

صدوق، محمدبن علی، ۱۳۷۶، الامالی، چ ششم، تهران، کتابچی.
قمی، شیخ عباس، ۱۳۷۷، مفاتیح الجنان، ترجمه موسوی دامغانی، قم، دارالفکر.